

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۲

سطح ۲

درس ۲۵

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی  
آموزشیار: آقای خادمی

## مقدمه

در ادامه بحث‌های مربوط به نماز مسافر، در درس گذشته چند شرط از شرایط قصرمانند: سفر باید مباح باشد، فرد سفر را به عنوان شغل خود قرار نداده باشد که در ضمن آن حکم کسی که سفر مقدمه شغل او است معلوم شد، از کسانی نباشد که خانه‌اش به همراه او است، و رسیدن به حد ترخص، و استدلال بر هر کدام را بررسی کردیم. در تعیین حد ترخص روشن شد که دو دسته روایت داریم که یکی آن را پنهان شدن خانه‌ها، و دیگری نشنیدن اذان ذکر کرد که بین اطلاق مفهوم هر یک با منطوق دیگری تعارض وجود داشت، حل تعارض به این بود که اطلاق مفهوم هر یک را با منطوق دیگری قید می‌زنیم، در این صورت نتیجه این می‌شود: هر کدام از پنهان شدن خانه‌ها یا نشنیدن اذان برای حد ترخص کافی است؛ و اجمالا اشاره‌ای به قواطع سفر داشتیم، در این درس ضمن توضیح و ذکر مستند قواطع سفر اشاره‌ای به بحث نماز جماعت و شرایط آن خواهیم داشت و توضیح و استدلال آن را در درس آینده پی خواهیم گرفت.

## متن عربى

و المستند فى ذلك:

١. اما قاطعية الوطن، بمعنى وجوب التمام فيه، فواضحة؛ و أما قاطعيته، بمعنى عدم ضم ما يأتى الى ما سبق، فقد تقدمت الاشارة لها سابقا.

و نزيد ذلك توضيحا: إن ظاهر ادلة القصر كونه حكم القاطع لثمانية فراسخ الذى يصدق عليه خلال مجموعها عنوان المسافر، و هذا غير متحقق فيمن يمر وسط المسافة بوطنه.

اجل، هذا التوضيح لا ينفع فيمن يمر بوطنه بعد تمام المسافة الشرعية فينبغى الاقتصار فى حقه على ما سبق.

٢. و اما قاطعية الاقامة عشرة، فهي من المسلمات؛ و تدل عليها صحيحة زرارة عن ابي جعفر عليه السلام « قلت له: رأيت من قدم بلدة الى متى ينبغى له ان يكون مقصرا و متى ينبغى أن يتم؟ فقال: إذا دخلت ارضا فأيقنت ان لك بها مقام عشرة ايام فأتم الصلاة؛ و إن لم تدر ما مقامك بها تقول غدا اخرج او بعد غد، فقصر ما بينك و بين أن يمضى شهر، فإن تم لك شهر فأتم الصلاة و إن أردت ان تخرج من ساعتك» و غيرها.

٣. و أما اعتبار العزم و عدم كفاية البقاء المجرد، فللتقييد فى الصحيحة المتقدمة بالايقان.

٤. و أما اعتبار التوالى، فلظهور كلمة «عشرة» فى ذلك.

٥. و أما اعتبار وحدة المكان، فلأن الوارد فى الروايات التعبير ب: «المكان و الارض و البلد و الضيعة»، و كل ذلك ظاهر فى الوحدة.

٦. و أما وجوب التمام على المتردد ما بعد الثلاثين، فلصحيحة زرارة المتقدمة و غيرها.

## صلاة الجماعة

تستحب الجماعة فى الفرائض كلها عدا صلاة الطواف؛ و لا تشرع فى النوافل الاصلية عدا صلاة الاستسقاء. و اقل ما تنعقد به اثنان احدهما الامام.

ولا يشترط فى انعقادها نية الامام الامامة الا فى العيدين الواجبة و الجمعة.

و تدرك بالتكبير مادام الامام لم يرفع رأسه من الركوع.

و اذا كبر المأموم و شك فى بقاء الامام راعا فلا يحكم بادراكه الجماعة.

و يلزم ان يكون الامام رجلا - اذا كان المأموم كذلك - و عادلا صحيح القراءة.

## دلیل قاطعیت عبور از وطن برای سفر

اگر مسافر در طول سفر به وطن خود برسد سفر او قطع می‌شود، یعنی دیگر حکم سفر شرعی را ندارد، این مسأله از دو جهت می‌تواند مورد بحث باشد؛

### جهت اول

منظور از قاطعیت عبور از وطن این باشد که وقتی در بین سفر به وطن خود رسید باید نماز را تمام بخواند. این نکته واضح است و نیاز به توضیح و استدلال ندارد.

### جهت دوم

منظور از قاطعیت عبور از وطن این باشد که نمی‌تواند مقدار مسافتی را که قبل از رسیدن به وطن طی کرده ضمیمه مقداری کند که بعد از وطن طی می‌کند و نمی‌تواند آن را جزو مسافت شرعی که هشت فرسخ است قرار دهد. البته به این مطلب در مباحث گذشته اشاره کردیم، اما توضیح بیشتر این است که: آن چه از ظاهر ادله قصر نماز استفاده می‌شود این است که عبور از وطن موجب قطع مسافت شرعی می‌شود، یعنی اگر فرد قبل از پیمودن هشت فرسخ به وطن خود برسد سفر او قطع می‌شود، لذا پیمودن هشت فرسخ که شرط تحقق سفر شرعی و به تبع آن قصر نماز است، در مورد چنین شخصی محقق نمی‌شود.

مطلبی که باقی می‌ماند این است که این فرض فقط شامل کسی است که قبل از پیمودن هشت فرسخ به وطن خود می‌رسد، اما اگر بعد از پیمودن هشت فرسخ و تحقق سفر شرعی به وطن خود برسد، قاطع سفر بودن به معنی این که مانع از تحقق هشت فرسخ باشد در موردش صدق نمی‌کند. بلکه فقط از این جهت که باید نماز را کامل بخواند قاطع سفر است.

## دلیل قاطعیت اقامت ده روز

این که اقامت ده روز یا بیشتر در بین سفر موجب قطع سفر است از مسلمات است و بحثی در آن نیست و اختلافی هم در آن وجود ندارد، اما با این حال می‌توان برای اثبات آن به روایاتی که در این زمینه وارد شده، تمسک کرد.

### صحیح زراره

زراره از امام باقر علیه السلام روایتی نقل کرده و می‌گوید: به حضرت عرض کردم نظر شما در مورد کسی که وارد شهری شده در این که تا چه زمانی باید نمازش را قصر بخواند و چه وقت می‌تواند نماز را کامل بخواند، چیست؟ حضرت در جواب فرمودند: اگر وارد سرزمینی شدی و یقین داشتی که ده روز در آن جا اقامت خواهی کرد باید نماز را کامل بخوانی، اما اگر نمی‌دانی چه مقدار در آن جا خواهی ماند و آیا فردا از آن جا حرکت خواهی کرد یا روز بعد در این صورت نمازت را قصر بخوان، و اگر این حالت تا یک ماه ادامه پیدا کرد وظایف قصر نماز است، اما اگر یک ماه گذشت از روز بعد باید نماز را کامل بخوانی هر چند بدانی که چند لحظه بعد از آن جا خارج می‌شوی. در این روایت حضرت به وضوح بیان کرده‌اند که اقامت ده روز موجب قطع سفر و کامل خواندن نماز است.

## دلیل اعتبار قصد در قاطعیت اقامت ده روز

اقامت ده روز به شرطی موجب قطع سفر است که فرد قصد ماندن ده روز را داشته باشد، لذا اگر بدون این که قصد کند ده روز در جایی بماند هم چنان حکم مسافر را دارد و نمازش را باید قصر بخواند. این مطلب را می‌توان از صحیح زراره که در مطلب قبل به آن اشاره شد استفاده نمود، چون در روایت حضرت تعبیر «فأیقنت» را به کار بردند، یعنی اگر یقین کردی ده روز خواهی ماند، و روشن است وقتی فرد یقین به ماندن ده روز پیدا می‌کند که قصد آن را داشته باشد.

## اعتبار توالی در قاطعیت اقامت ده روز

مطلب دیگر در مورد اقامت ده روز این است که باید به صورت متوالی و متصل به هم ده روز را در آن جا بماند. پس اگر پنج روز بماند و سپس خارج شود و دوباره پنج روز دیگر در آن جا اقامت کند، موجب قطع سفر او نمی‌شود و هم چنان حکم مسافر را دارد. این مطلب را هم می‌توان از ظاهر کلمه «عشره» به دست آورد، چون وقتی عدد ده صدق می‌کند که به صورت پیوسته به هم باشند، و در غیر این صورت به آن عدد ده اطلاق نمی‌شود. مثلاً در فرضی که اشاره کردیم، فرد پنج روز برود و دوباره پنج روز دیگر اقامت کند، نمی‌گویند ده روز در آن جا ماند، بلکه می‌گویند پنج روز ماند، سپس رفت و پنج روز دیگر ماند.

## اعتبار وحدت مکان در قاطعیت اقامت ده روز

شرط دیگر قاطع سفر بودن اقامت ده روز یا بیشتر این است که مکان اقامت یکی باشد، یعنی در بین مسیر که توقف ده روزه دارد در چند مکان در حال تردد نباشد که چند روز را در جایی و چند روز دیگر را در جای دیگر بماند. در غیر این صورت اقامت ده روز بر آن صدق نمی‌کند، لذا سفر او هم قطع نشده و وظیفه اش قصر نماز است. این مطلب را می‌توان از تعبیراتی که در روایات این باب وارد شده استفاده کرد که ظهور آن‌ها اقامت در مکان واحد است. تعابیر وارد شده در این مورد از این قرار است: مکان، ارض (سرزمین)، بلد (شهر) و ضیعه (باغ). در صحیح زراره هم که به عنوان مستند در بحث اقامت ده روز ذکر کردیم زراره در سؤال لفظ «بلده» را به کار برده بود و امام علیه السلام در جواب خود لفظ «ارض» را بیان فرموده بودند.

## قصر نماز در صورت اقامت سی روزه در یک مکان با تردید

این بحث در ذیل بحث اقامت در بین سفر مطرح می‌شود، تا این جا روشن شد که اگر قصد اقامت ده روز را داشته باشد نماز او کامل است، اما اگر نتوانست قصد کند و در اقامت خود تردید داشت، طبق صحیح زراره که در مباحث اخیر مورد استناد قرار دادیم تا سی روز وظیفه او قصر نماز است، اما اگر سی روز کامل شد از روز بعد آن باید نماز را کامل بخواند. این مسأله به روشنی در روایت ذکر شده است. روایات دیگری هم در این باب وجود دارد که می‌توان به آن‌ها استناد نمود. «FG»

۱. قاطعیت وطن: وضوح لزوم نماز تمام در وطن.

۲. قاطعیت اقامت ده روز: صحیحۀ زرارہ.

۳. اعتبار قصد در قاطعیت اقامت: قید «ایقان» در صحیحۀ زرارہ.

۴. اعتبار توالی در قاطعیت اقامت ده روز: ظهور کلمه «عشره» در توالی.

۵. اعتبار وحدت مکان در اقامت ده روز: ظهور تعابیر وارده در صحیحہ در وحدت مکان.

۶. وجوب تمام بر شخص مردد بعد از سی روز: صحیحۀ زرارہ.

ادلۀ احکام قواطع سفر

## تطبيق

و المستند في ذلك:

مستند مطالبی که ذکر شد:

۱. اما قاطعية الوطن، بمعنى وجوب التمام فيه، فواضحة؛ و أما قاطعيته، بمعنى عدم ضم ما يأتي الي ما سبق، فقد تقدمت الاشارة لها سابقا.

اما اين که (عبور از) وطن سفر را قطع می کند، به اين معنی که واجب است در وطن نماز را کامل بخواند واضح است، اما قطع کردن سفر به اين معنی که مسیری را که طی کرده به مسیری که طی خواهد کرد ضمیمه نمی شود، در مباحث قبل اشاره به آن گذشت.

و نريد ذلك توضيحا: إن ظاهر ادلة القصر كونه حكم القاطع لثمانية فراسخ الذي يصدق عليه خلال مجموعها عنوان المسافر، و هذا غير متحقق فيمن يمر وسط المسافة بوطنه.

یک توضیح به آن اضافه می کنیم: ظاهر ادله قصر نماز این است که گذشتن از وطن حکم هشت فرسخی را که عنوان مسافر با آن صدق می کند، قطع کند، و این در مورد کسی که در بین سفر از وطنش عبور می کند محقق نیست.

اجل، هذا التوضيح لا ينفع فيمن يمر بوطنه بعد تمام المسافة الشرعية فينبغي الاقتصار في حقه على ما سبق.

بله این توضیح در مورد کسی که بعد از طی مسافت شرعی از وطن خود می گذرد سودی ندارد، پس در حق او باید به آن چه که گذشت اکتفا کرد.

۲. و اما قاطعية الاقامة عشرة، فهي من المسلمات.

اما این که اقامت ده روز سفر را قطع می کند، این از مسلمات است.

و تدل عليها صحیحة زرارة عن ابي جعفر عليه السلام «قلت له: رأيت من قدم بلدة الي متي ينبغي له ان يكون مقصرا

و متي ينبغي أن يتم؟

و بر این مطلب روایت زراره از امام باقر علیه السلام دلالت می‌کند: «به حضرت عرض کردم: نظر شما در مورد کسی که وارد جایی می‌شود، تا چه موقع باید نمازش را قصر بخواند، و چه موقع باید تمام بخواند؟». فقال: إذا دخلت أرضاً فأيقنت أن لك بها مقام عشرة أيام فأتم الصلاة؛ وإن لم تدر ما مقامك بها تقول غدا أخرج أو بعد غد، فقصر ما بينك وبين أن يمضي شهر، فإن تم لك شهر فأتم الصلاة وإن أردت أن تخرج من ساعتك<sup>۱</sup>. و غيرها.

حضرت فرمود: اگر داخل جایی شدی و یقین داشتی که در آن جا ده روز خواهی ماند پس نماز را تمام بخوان. اما اگر ندانستی که آیا در آن جا خواهی ماند و می‌گویی فردا خارج می‌شوم یا روز بعد از آن، پس نماز را قصر بخوان از آن زمانی که در آن هستی تا این که یک ماه بگذرد، و اگر یک ماه تمام شد پس نماز را تمام بخوان هر چند همان لحظه بخواهی از آن جا خارج شوی و روایات دیگر.

۳. و أما اعتبار العزم و عدم كفاية البقاء المجرد، فللتقييد في الصحيحة المتقدمة بالايقان.

اما معتبر بودن قصد ماندن ده روز و کافی نبودن مجرد ماندن، به خاطر تقييد صحيحه گذشته است بر يقين داشتن.

۴. و أما اعتبار التوالي، فلظهور كلمة «عشرة» في ذلك.

اما اعتبار پشت سر هم بودن (ده روز)، به خاطر ظهور كلمه «عشره» است در پشت سر هم بودن.

۵. و أما اعتبار وحدة المكان، فلأن الوارد في الروايات التعبير ب: «المكان و الارض و البلد و الضيعة»، و كل ذلك ظاهر في الوحدة.

اما معتبر بودن این که مکان باید یکی باشد، به خاطر این است که آن چه در روایات وارد شده تعبیر به «مکان، سرزمین، شهر و آبادی» است، و همه این‌ها ظهور در وحدت مکان دارند.

۶. و أما وجوب التمام على المتردد ما بعد الثلاثين، فلصحيحة زرارة المتقدمة و غيرها.

اما واجب بودن اتمام نماز بر کسی که مردد است، بعد از (گذشتن) سی روز، به خاطر صحيحه زراره است که گذشت و روایات دیگر. SCO۱۸:۲۷

۱. المصدر باب ۱۵ من ابواب صلاة المسافر، حديث ۹.

## نماز جماعت<sup>۱</sup>

بحث دیگری که در کتاب الصلوات به آن می‌پردازیم بحث نماز جماعت است. در این درس اجمالاً به برخی احکام و شرایط آن اشاره می‌کنیم و توضیح و استدلال بر آن‌ها را در درس بعد بیان خواهیم کرد. به جماعت خواندن نمازهای واجب، مستحب است؛ لذا شامل نمازهای مستحب نمی‌شود، البته دو نماز در این جا استثناء شده‌اند، یک استثناء نماز واجب است که نمی‌توان آن را به جماعت خواند، و آن نماز طواف است؛ و دیگری یک نماز مستحب است که می‌توان آن را به جماعت خواند، و آن نماز طلب باران<sup>۲</sup> است.

### ۱. نماز جماعت و اهمیت و آثار آن.

نماز یک عبادت ریشه دار و عمیق می‌باشد که در همه ادیان بوده و شاید کمتر دینی در این دنیا موجود باشد که نماز در آن نباشد. در قرآن کریم و سنت مبارکه پیامبر (ص) به نماز - که یک اصل با ارزش و عبادت مهم و از فروع دین می‌باشد - تاکید فراوان شده است و از ترک آن مسلمین را به سختی بر حذر داشته است. نماز در حقیقت ستون و پایه دین مقدس اسلام و کلید بهشت است و از جمله شایسته‌ترین اعمال در نزد پروردگار به حساب می‌آید. خداوند در سوره طه می‌فرماید «به یقین من خداوندی هستم که معبودی جز من وجود ندارد، پس مرا پرستش کن و نماز را برای ذکر من برپای دار». خداوند سبحان التزام به امر مهم را در همه حال و در همه رخدادهای زندگی مورد تاکید قرار داده است. اسلام وظیفه هر مسلمان را تنها در این خلاصه نکرده که به صورت انفرادی در هر جایی و بدور از نماز اجتماع مسلمین یا محیطی که در آن زندگی می‌کند به انجام نماز بپردازد، بلکه به طور جدی به انجام وظیفه الهی نماز به صورت جماعت به ویژه در مساجد با دیگر برادران دینی فراخوانده است. بنابراین اسلام برگزاری نمازهای پنجگانه را به صورت جماعت در مساجد به این دلیل لازم دانسته که مساجد علاوه بر این که پایگاه تجمع مسلمین می‌باشد محلی است که می‌توان دیگر مشکلات جامعه اسلامی از قبیل مسایل اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و غیره را مطرح کرد و در مورد آن‌ها سخن گفت و برای حل آن‌ها اقدامات لازم را به عمل آورد. باز می‌بینیم که بر مسلمین لازم شده است که به طور وسیع‌تری هفته‌ای یک بار در نماز جمعه شرکت کنند. خداوند در این باره چنین فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر گاه برای نماز در روز جمعه فرا خوانده شدید پس به سوی یاد خدا بشتابید و هر معامله‌ای را ترک کنید، این برای شما بهتر است اگر بدانید» و از رسول اکرم (ص) نیز روایت است که فرموده‌اند: «هر کس سه نماز جمعه را بدون عذر و از روی سستی و سهل انگاری ترک نماید، خداوند بر دلش مهر می‌زند». این اجتماع بزرگ هفتگی در بردارنده نکات آموزشی فراوان بوده، در حقیقت تجدید پیمان و احیای حس برادری و برابری و استحکام بخشیدن وحدت میان مسلمین و اظهار قدرت و قوت می‌باشد تا به دشمنان اسلام نشان دهند که چگونه در صفوف مرصوص و دوشادوش یکدیگر آماده دفاع از کیان و شأن و شوکت اسلام و آئین اسلام هستند.

### ۱. نماز باران:

خطبه‌ی نماز باران پس از نماز خوانده می‌شود؛ لیکن در اینکه قبل از ذکرهای وارد شده خوانده می‌شود یا بعد از آن، اختلاف است. برخی، خواندن آن را قبل و بعد از نماز جایز دانسته‌اند.

در اینکه در نماز باران یک خطبه مستحب است یا دو خطبه، اختلاف است.

در نماز باران خواندن خطبه‌های مأثور افضل است. در غیر این صورت، خطبه‌ای خوانده شود که مشتمل بر حمد و ستایش خداوند و دعا و تضرع به درگاه الهی جهت آمدن باران باشد. برخی، خطبه‌ی نماز باران را صرف دعا و تضرع دانسته و ایراد خطبه بدین گونه یا به نحو مشهور را مجزی دانسته‌اند.

مستحب است نمازگزاران در نماز استسقاء بسیار تکبیر گویند؛ چنان‌که مستحب است امام جماعت بعد از نماز، برفراز منبر، رو به قبله و با صدای بلند صد بار تکبیر بگوید.

حضور کهنسالان - اعم از زن و مرد - و نیز کودکان جهت جلب رحمت الهی و استجاب دعا در نماز استسقاء مستحب است.

برای این که عنوان جماعت بر نماز صدق کند حداقل باید دو نفر در آن حضور داشته باشند<sup>۱</sup>، یعنی یک نفر امام و نفر دوم مأموم باشد.

در نماز جماعت لازم نیست که امام جماعت نیت جماعت کند، بلکه اگر نماز واجب خود را بخواند و فرد یا افرادی به او اقتدا کنند جماعت بر آن صدق می‌کند. البته این مسأله هم دو استثناء دارد، یکی نماز عید فطر و قربان، و دیگری نماز جمعه است.

وقت درک نماز جماعت تا وقتی است که امام جماعت سر از رکوع بر نداشته است، یعنی از ابتدای رکعت تا موقعی که سر از رکوع بر نداشته می‌توان به او اقتدا کرد و در این صورت فرد یک رکعت نماز را درک کرده است. حال اگر مأموم در حالی که امام جماعت در رکوع است تکبیر گفت اما شک کرد که آیا رکوع امام را درک کرد یا نه، باید بنا را بر این بگذارد که به رکوع نرسیده است، لذا نماز جماعت را درک نکرده است.

اگر مأموم مرد باشد، امام جماعت هم باید مرد باشد.

امام جماعت باید عادل<sup>۲</sup> باشد و قرائت او نیز صحیح باشد. «FG»

۱. تعداد حاضران در نماز جماعت، هر چه بیشتر باشد، پاداش آن بیشتر است. این کلام رسول خداست که فرمود: «ما کثر فهو احب الی الله» حدیث جالبی در بیان فضیلت نماز جماعت است که قسمتی از آن در رساله‌های عملیه هم ذکر شده است. ترجمه تمام حدیث چنین است: اگر اقتدا کننده ۱ نفر باشد، پاداش ۱۵۰ نماز داده می‌شود، اگر اقتدا کننده ۲ نفر باشد، پاداش ۶۰۰ نماز داده می‌شود. اگر اقتدا کننده ۳ نفر باشد، پاداش ۱۲۰۰ نماز داده می‌شود و اگر اقتدا کنندگان و امام جماعت به ۱۰ نفر رسیدند، پاداش ۷۲۸۰۰ نماز دارد. ولی، همین که عدد افراد از ده نفر گذشت، حساب آنرا جز خداکسی نمی‌داند اگر تمام آسمان‌ها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم و جن وانس و ملائکه نویسنده شوند؛ نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

۲. معنی‌شناسی لغوی واژه عدالت به لحاظ ساختاری نشان می‌دهد که این لفظ، برگرفته از واژگانی؛ همچون عدل بافتح و عدل، با کسر عین می‌باشد، و هردوی آنان معنی مساوات و برابری را تداعی می‌کند؛ لذا راغب در باب معنی‌شناسی لفظ عدل به این ترتیب می‌نگارد که: «عدالت و معادله، لفظی است که معنی مساوات را اقتضا دارد، و به اعتبار نسبت اضافی طرفینی (که یک نسبت منطقی است)، بکار برده می‌شود» از نظر ایشان؛ «عدل و عدل، قریب و نزدیک هم اند، با این تفاوت که کاربرد عدل در مواردی است که تنها با بصیرت و بینایی قابل درک است؛ مانند احکام و امثال آن. برخلاف عدل که از نظر کاربردی به مواردی؛ همچون اشیای قابل وزن، شمردنی‌ها و پیمان‌های، که تنها با استفاده از نیروهای حسی شناخته می‌شوند، تعلق دارد.»

برخلاف لغت‌شناسی که در آن لفظ عدالت تنها به معنی مساوی و برابر بودن بکار می‌رفت، در مورد تعریف کاربردی عدالت نه تنها دیدگاه واحدی وجود ندارد، بلکه تفاوت دیدگاه‌ها و تعریف‌های ارائه شده در این زمینه به حدی است که در برخی موارد، نزدیک سازی و جمع بین آنان را تا حد زیادی با مشکل مواجه می‌سازد. دلیل اصلی در این تفاوت‌ها بیشتر ناشی از باورهایی است که از مبانی نظری و مشرب‌های فلسفی، کلامی افراد ناشی می‌شود. به طور مثال؛ برخی عدالت را به معنای تساوی و نفی هرگونه تبعیض بکار می‌برند. عده‌ی دیگر، بر موزون بودن در معنی‌شناسی آن اصرار دارند، در حالیکه گروه سومی از عدالت به معنای اعطای حق به صاحبان اصلی آن تعبیر می‌نمایند. تعریفی که فقیهان اسلامی از عدالت ارائه داده‌اند بیشتر به جنبه‌های رفتاری فرد و ویژگی‌های روحی- روانی که به این دسته از رفتارها منجر می‌شود پرداخته‌اند.

امام خمینی (ره) در تعریف عدالت از منظر کاربردهای فقهی می‌فرماید: «عدالت عبارت از حالت نفسانی است که با تقوا به عنوان مهم‌ترین عامل بازدارنده از ارتکاب گناهان کبیره؛ بلکه صغیره تاچه رسد به اصرار بر صغیره‌ها که در نهایت جزوی کبیره‌ها به شمار می‌رود و همین‌طور دوری از ارتکاب آن دسته از اعمالی که عرف مرتکب آنرا نسبت به امور دینی مبالغت تلقی می‌کند، ملازمه دارد». بر اساس این تعریف، عدالت قلمروی گسترده‌ی پیدا می‌کند به طوری که علاوه بر پرهیز از ارتکاب کبائر، خودداری از ارتکاب صغائر را نیز در بر می‌گیرد. در این میان تعریف محدودتری نیز وجود دارد که بر اساس آن، عدالت ظاهراً تنها به خود ملکه درونی بدون اینکه ملازم با عمل و ترک باشد، اطلاق می‌شود.

۱. استحباب به جماعت خواندن تمام نمازهای واجب، غیر از نماز طواف.
۲. مشروعیت خواندن نماز مستحبی «باران» به جماعت.
۳. تحقق جماعت با حضور حداقل دو نفر.
۴. عدم اشتراط نیت جماعت بر امام در غیر از نماز عیدین و جمعه.
۵. درک جماعت با تکبیر مأموم، قبل از سر برداشتن امام از رکوع.
۶. عدم حکم به ادراک جماعت در صورت شک در بقاء امام در رکوع هنگام تکبیر مأموم.
۷. لزوم مرد بودن امام در صورت مرد بودن مأموم.
۸. شرطیت عدالت و قرائت صحیح برای امام.

احکام نماز جماعت

## تطبیق

صلاة الجماعة.

نماز جماعت.

تستحب الجماعة فی الفرائض كلها عدا صلاة الطواف؛ و لا تشرع فی النوافل الاصلية عدا صلاة الاستسقاء. جماعت در تمام نمازهای واجب مستحب است (البته) غیر از نماز طواف؛ و در نمازهای مستحبی اصلی مشروع نیست، مگر در نماز باران.

و اقل ما تنعقد به اثنان احدهما الامام.

و کمترین مقداری که به آن نماز جماعت منعقد می شود دو نفر است که یکی از آنها امام است.

ولا يشترط فی انعقادها نية الامام الا في العیدین الواجبة و الجمعة.

در تشکیل نماز جماعت شرط نیست که امام نیت امامت (جماعت) کند، مگر در دو نماز عید که واجب اند و در نماز جمعه.

و تدرك بالتكبير مادام الامام لم يرفع رأسه من الركوع.

و با تکبیر درک می کند (نماز جماعت را) تا وقتی که امام سر از رکوع بر نداشته است.

و اذا كبر المأموم و شك فی بقاء الامام راکعا فلا يحکم بادرکه الجماعة.

و اگر مأموم تکبیر بگوید و شک کند که امام هنوز در رکوع است یا نه، حکم به درک کردن جماعت نمی شود.

و يلزم ان يكون الامام رجلا - اذا كان المأموم كذلك - و عادلا صحيح القراءة.

و لازم است که امام مرد باشد - اگر مأموم هم مرد باشد - و عادل باشد و قرائتش صحیح باشد. ۲۷:۳۲-۲

## چکیده

۱. سه چیز موجب قطع سفرند: عبور از وطن، قصد اقامت ده روز، ماندن سی روز به صورت مردد در جایی.
۲. قاطع بودن سفر در مورد کسی که در بین پیمودن هشت فرسخ به وطن خود می‌رسد، هم به معنی کامل خواندن نماز است، و هم به معنی این که نمی‌تواند مسافت طی شده را ضمیمه مسافت بعد کند و مجموع آن‌ها را به عنوان مسافت شرعی حساب کند.
۳. علت قاطع سفر بودن عبور از وطن، ظاهر ادله قصر است که پیمودن هشت فرسخ را شرط صدق عنوان مسافر می‌دانست، چون وقتی قبل از اتمام هشت فرسخ به وطن برسد عنوان مسافر بر او صدق نمی‌کند.
۴. دلیل قاطع بودن اقامت ده روز، صحیحه زراره است.
۵. اقامت ده روز در صورتی قاطع سفر است که فرد قصد اقامت ده روز داشته باشد و اقامت بدون قصد قاطع سفر نیست.
۶. در قاطع سفر بودن اقامت ده روز شرط است که به صورت پیوسته باشد.
۷. در قاطع سفر بودن اقامت ده روز شرط است که در مکان واحد بماند.
۸. کسی که در بین سفر اقامت کرده و مردد است که در آن جا می‌ماند یا نه تا سی روز حکم مسافر را دارد و نمازش قصر است، اما بعد از سی روز باید نماز را کامل بخواند، هر چند بداند به زودی از آن جا خارج می‌شود.